

گزارش

راهنمایان گردشگری در خانه،  
سودجویان در سفر!

شاید هیچ صنعتی بعد از ظهور کرونا آنقدر درگیر سردرگمی، مشکلات و خسارات هنگفت نشده باشد که گردشگری درگیر آن شده و این از هیچ کس پوشیده نیست، اما تمام افراد متخصص و فعالین با تجربه این حوزه بر این آگاه بوده و هستند که علاوه بر تمام سختی و مشکلات، سفر یکی از راه‌های بالابردن ریسک انتقال و شیوع ویروس کروناست و صنعت گردشگری در جهان چاره‌ای ندارد جز آنکه برای سفرهای ضروری پروتکل بهداشتی ارائه دهد، سفرهای غیر ضروری رانفی کند و منتظر بماند تا شرایط بهتر شود.

در این میان تمام راهنمایان گردشگری‌ای که در رشته‌های مرتبط تا مدارج عالی تحصیل کرده‌اند، دوره‌های مختلف آموزشی را طی کرده‌اند و سال‌ها تجربه‌ی تورگردانی در جای‌جای وطن و همچنین کشورهای دیگر دارند یک سال است که با وجود کرونا در خانه نشسته‌اند و هرگز حاضر به برگزاری و اجرای تور و به خطر انداختن جان خود و مسافران و خانواده‌هایشان نشده‌اند. حال سودجویانی فضا را به زعم خودشان مناسب دیده‌اند و بدون هیچ گونه علم و دانش و تجربه و حتی مجوزی، برای اجرای تور در شبکه‌های اجتماعی به تبلیغات و جمع‌آوری مسافر و سپس اجرای تورهای بدون مجوز و بیمه دست زده‌اند.

دفا تر هماهنگی و بررسی، همچنین انجمن‌های صنفی راهنمایان گردشگری استان‌ها اقدام به شناسایی و برخورد قانونی با این افراد کرده‌اند.

در همین راستا، بازرسان انجمن صنفی راهنمایان گردشگری تهران از ادامه پایش و رصد تورهای غیر مجاز خبر داد و گفت:

گرچه محدودیت تردد جاده‌ای برقرار شده اما تبلیغات اینستاگرامی و مجازی برخی تورها همچنان ادامه دارد و بازرسی ماموتوق نشده است. برخی از این تورها از دست بازرسان متواری شده‌اند.



مسعود سلمان زاده در باره روند بازرسی تورها در استان تهران گفت: با توجه به محدودیت تردهای بین شهری و تعطیلی بیشتر اقامتگاه‌های کشور از جمله اقامتگاه‌های کوبوری از اول تا پانزدهم آذرماه، تورهای کوبور اجرامی شوند، اما رصد و بازرسی‌ها متوقف نخواهد شد و مطابق هفته‌های گذشته نظارت‌ها برقرار خواهد بود.

او ادامه داد: اولویت و اصل این بازرسی‌ها بر حفظ امنیت شغلی راهنمایان گردشگری است. به این معنی که با بازرسی‌های این چنینی از فعالیت غیرراهنمایان به عنوان راهنمایان رسمی و دارای مجوز جلوگیری خواهد شد. همچنین اگر اتفاقی در جریان این سفرها برای راهنما رخ دهد و یا حقوق راهنمای رسمی و دارای کارت معتبر ضایع شود، از این طریق مورد حمایت واقع خواهد شد. در حقیقت، هدف و اولویت اصلی این بازرسی‌ها، پایش تورهای غیرمجاز و شناسایی افراد راهنما و بدون کارت و جلوگیری از فعالیت است

او با اشاره به کاهش تعداد تورهای داخلی، اظهار کرد: بررسی‌ها از زمان آغاز بازرسی‌ها نشان می‌دهد مردم کمتر به سفر یا تور یا گروه تمایل نشان می‌دهند و ترجیح‌شان بیشتر سفر با وسیله نقلیه شخصی است. آن‌هایی هم که با تور سفر می‌کنند میانگین سنی‌شان زیر ۵۰ سال است و اضافه کرد: به هر حال مسافری که با گروه سفر می‌کند و قرار است چند ساعت در محیط بسته اتوبوس حضور داشته باشد قطعاً در معرض ویروس کرونا خواهد بود، مخصوصاً این که در تمام توصیه‌های سازمان جهانی بهداشت تأکید شده است حضور هم‌زمان چند نفر در محیط بدون تهویه و بسته احتمال انتقال ویروس کرونا را بیشتر می‌کند و به‌هنگام سفر تا ریزش توصیه کرده است.

# از بیکاری و خانه‌نشینی تا ازدواج خلاقانه در دوران کرونا

گپ و گفتی با پرستو کمام، اهل سفر و راهنمای طبیعت‌گردی



## سعی کردم آگاهی‌ام را بالا ببرم که منطف باشم و بپذیرم که شرایط این گونه است و فعلاً باید در خانه بمانم تا افراد بیشتری بیمار نشوند، و در نهایت این دوران و بیکاری من طولانی تر نشود

شیوع ویروس کرونا برای من خیلی سخت بود و هنوز هم گاهی خسته می‌شوم و غم می‌زنم، اما سعی کردم و می‌کنم تا آگاهی و پذیرش را در وجودم تقویت کنم. ما به واسطه سفرهایی که رفتیم آدم‌های منعطف‌تری هستیم به این دلیل که در سفر اتفاقاتی رقم می‌خورد که نیاز به صبر، تصمیم‌گیری و واکنش‌های آنی و در کل انعطاف‌پذیری بالا هست و گاهی لازم است که راحت را عوض کنی. سعی کردم آگاهی‌ام را بالاتر ببرم که منعطف باشم و بپذیرم که شرایط این‌گونه است و فعلاً باید در خانه بمانم تا افراد بیشتری بیمار نشوند، و در نهایت این دوران و بیکاری من طولانی‌تر نشود.

در کل فکر می‌کنم پذیرش و آگاهی خیلی مهم است، چرا که زندگی همیشه مطابق میل انسان پیش نمی‌رود.

### در دوران پسا کرونا اولین مقصدی را که برای سفر انتخاب می‌کنید کجاست و چرا؟

در منطقه سوادکوه منطقه‌ای هست به نام سنگده. اولین سفر داخلی‌ای که بخوام بروم آنجا خواهد بود. به این دلیل که من عاشق این منطقه هستم و از جمله مراکز است که من و همسر هر سال و در تمام فصول به آن جا می‌رفتیم، تشکر می‌کردیم و خواهش می‌کردیم اجازه بدهد باز هم به دیدار برویم و حالا یک سال است که نه تنها به آن جا بلکه به هیچ سفری نرفته‌ایم. مناظر و انرژی خوب آن جا را بسیار دوست دارم و دوست دارم مجدداً آن کنار صخره‌ها و درختان راش بروم و به کلبه‌ای که در آنجا قرار دارد بروم. اولین سفر خارجی‌ای که دوست دارم پس از این دوران بروم هند است. ما در سال ۹۷ سفری به هند داشتیم و آن جا بر این خیلی جذاب و دوست‌داشتنی بود و چون هند بسیار وسیع است و ما تنها بخش کوچکی از آن را دیدیم، دوست دارم باز به این کشور سفر کنم و بقیه مراکز دیدنی‌اش را هم ببینم.

خلاقیت ما به این صورت بود که بسته‌های هدایایی تهیه کردیم و درون آن‌ها یک نامه گذاشتیم و برای افراد خانواده و دوستانمان فرستادیم. درون نامه خواسته بودیم این هدیه را که نماد عشقمان است از ما بپذیرند و به آن‌ها اطلاع دادیم که در فلان روز و ساعت مراسم عقد ما برگزار می‌شود و به صورت مجازی و از طریق تماس تصویری در مراسم حضور داشته باشند.

طبق علاقه خودمان و پدر و مادرهایمان لباس عروسی و دامادی به تن کردیم، عکاسی کردیم و به محضر رفتیم. بجز پدر و مادرهایمان مهمان حضوری دیگری نداشتیم و اعضای خانواده و دوستانمان در حالی که لباس‌های مهمانی بر تن داشتند از طریق تماس ویدیویی شاهد مراسم عقد ما بودند و بسیار حس خوبی داشت از اینکه آن‌ها را در کنار خودمان و با امنیت و سلامتی حس می‌کردیم.

در آن زمان هنوز کافه‌ها تعطیل نبودند و بعد از مراسم عقد لباس‌های عروسی به کافه‌ای یکی از دوستانمان رفتیم و به علت محدودیت در تجمع تنها در کنار پنجره‌ها از دوستان صمیمی‌مان که دوست داشتیم حتماً در روز ازدواجمان حضور داشته باشند جشن کوچکی گرفتیم.

من همیشه این آرزو را داشتم که جشن ازدواجم در یک کافه باشد و همیشه فکر می‌کردم در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود، اما کرونا باعث شد ازدواجمان همانطور که دوست داشتیم رقم بخورد.

### شما اغلب روزهای سال را در سفر بودید، اما با این وجود، از زمان شیوع کرونا به سفر ترفته و تور برگزار نکردید. این روزها به چه فعالیت‌هایی مشغول هستید؟ دیدگاهتان نسبت به این دوران چگونه است؟

از همان ابتدا تصمیم گرفتیم برای سلامت روان خودم هم که شده در شرایط فعلی تور اجرا نکنم چرا که سلامت مسافران مسئولیت بسیار بسیار سنگینی است. بایکی از دوستانم به ساخت کارهای دستی و هنری و فروش آن‌ها به صورت آنلاین مشغول شدیم، اما متأسفانه به دلیل اینکه برای خرید مواد اولیه باید به بازار برویم این ریسک را نمی‌کنیم و در حال حاضر این کار هم تقریباً معلق است. این روزهای کرونایی مشغول یادگیری دو زبان هستم تا بعداً به من کمک کند. همچنین مشغول یادگیری کارهای دستی جدید و خواندن کتاب‌های مختلف هستم.

### این روزهای کرونایی مشغول یادگیری دوزبان هستم تا بعداً به من کمک کند. همچنین مشغول یادگیری کارهای دستی جدید و خواندن کتاب‌های مختلف هستم

داشته باشم، اجازه بدهم مستقل باشم، اعتماد به نفس و استقلال را بگیرم و دور سفرها همراهی کند. احتمالاً شما هم مانند هر دختری بر نامه‌ریزی و آرزوهای برای مراسم ازدواج داشتید. ازدواج در دوران کرونا چطور رقم خورد؟

ما از سال گذشته بر نامه‌ریزی کرده بودیم تا در تابستان امسال ازدواج کنیم. اما دنیا وارد ماجرای کرونا شد و هیچ کاری هم نمی‌شد انجام داد و تصمیم گرفتیم شرایط پیش آمده را قبول کنیم و بپذیریم، و همین باعث شد تا ما خیلی خلاق‌تر شویم و برای عروسیمان تجربه‌های خوب و خاطره‌انگیزی رقم‌بزنیم که شاید در شرایط عادی آنقدر درگیر تجملات و رسم و رسوم می‌شدیم که هیچ وقت آن‌ها را تجربه نمی‌کردیم و گرچه شرایط بد و دشواری را در جهان تجربه می‌کنیم، اما من از این تجربیات لذت بردم، و یکی از نکات مثبت این بود که باعث شد هزینه‌های نجومی نکنیم و صرفاً شیبی خاطر‌انگیز داشته باشیم و به یک سری از آرزوهایمان برسیم.

### شما در سفر همسفر زندگی خود را انتخاب کردید. برای امان از این آشنایی بگویید. سفر چقدر به شناخت بهتر از همسر تان کمک کرد؟

من به خاطر این اتفاق خوب خیلی خوشحالم هستم، اما واقعیت این هست که دختر مستقل و مدام در سفری بودم که به ازدواج فکر نمی‌کردم. اما روزی تصمیم گرفتم در کل آدم عاشقی باشم و این در ابتدا با عدم ورزش به وسایلی که داشتم و سپس به طبیعت اتفاق افتاد و باعث شد به یک تعادل بهتری برسیم و بعداً با علی ارتباط خوبی ایجاد کنم. علی هم طبیعت‌گرد بود و بیشتر کوهنوردی می‌کرد. به واسطه‌ی تورهای طبیعت‌گردی که برگزار می‌کردم چند سفر با ما همراه شد و در این سفرها به یک شناخت نسبی از یکدیگر رسیدیم و متوجه شدیم خط فکری و دیدگاهمان نسبت به موضوعات مختلف از جمله موسیقی، طبیعت، و حتی نگاه کردن به یک منظره تا حد زیادی مشابه است؛ و این گونه بود که به یکدیگر علاقه‌مند شدیم و پس از مدتی فهمیدیم هدف‌هایمان در زندگی واقعاً یکی است و می‌توانیم با هم کنار هم بودن زندگی یکدیگر را کامل‌تر کنیم بنابراین تصمیم به ازدواج گرفتیم.

در تصمیم من برای ازدواج مهم این بود که فرد مقابل کاملاً به من اعتماد

بدون خانواده در ۲۰ سالگی رقم خورد و وسایل سفر تهیه کردم که به جنوب بروم. پدرم کلاً اعتقاد داشت که باید سفر بروم تا راه و رسم زندگی کردن و روبه‌رو شدن با بحران‌ها و مشکلات را یاد بگیرم. به همین دلیل بسیار از من حمایت می‌کرد.

مادرم کمی احساساتی‌تر بود و مدام اتفاقاتی که ممکن بود رقم بخورد را پیش‌بینی می‌کرد. اما پدرم او را قانع کرد که من از پس خودم بروم و این هم باعث شد من قدرتی درون خودم حس کنم و به این باور برسیم که دختری مستقل و توانمند هستیم. و من در آن لحظه با خودم گفتم یعنی می‌شود یک روز این بنا را از نزدیک و به صورت واقعی ببینم؟

همینطور هم شد و قدرت و شهادتی پیدا کردم که برای دیدن مقاصد مختلف گردشگری از نزدیک و نه از طریق عکس، قدم‌های محکم و مطمئنی بردارم.

وقتی برای اولین بار به چغازنبیل رفتم دقیقاً از رویم محقق شد و این حس خیلی خوبی به من می‌داد.

### چه شد که تصمیم گرفتید به‌رغم تفاوت رشته دانشگاهی، سفر را به عنوان شغل به زندگی تان گره‌بزنید؟

بله من رشته‌ام معماری است، اما انتخاب کردم که راهنمای طبیعت‌گردی باشم. بعد از چند سفری که رفتم شوق عجیبی در وجودم حس کردم که جاهایی که سفر کردم و حس خوب گرفتم را با دیگران تقسیم کنم. به همین دلیل تصمیم گرفتم این شغل را داشته باشم تا وقتی که مردم درگیر روزمرگی‌هایشان هستند آخر هفته‌ها را با من به سفر ببینند و از هوا و مناظر خوب لذت ببرند.

و همیشه وقتی به مقصد می‌رسیم گوشه‌ای می‌نشینیم و به مسافرها می‌نگاه می‌کنیم و دیدن شوق و خوشحالی آن‌ها به من حس بسیار خوبی می‌دهد و رضایت درونی کسب می‌کنم. بنابراین این شغل را با وجود سختی‌های بسیار زیاد، انتخاب کردم.

### وقتی خواستید سفرهای تان را به تنهایی آغاز کنید، واکنش خانواده چطور بود؟

من در دوران لیسانس بابل درس می‌خواندم و گاهی هم دانشگاهیانم را به جنگل و روستاهای اطراف می‌برد. اما جدا از این تجربه، اولین سفر من شکل سفرهای خانوادگی مرسوم نبود و بسیار پرهیجان و ماجراجویانه بود؛ اما اولین جرقه برای سفرهای زمانی بود که در هنرستان معماری تحصیل می‌کردم. درسی داشتیم به نام معماری اسلامی که در آن درس در مورد بناهای تاریخی ایران صحبت می‌شد و یکی از مطالب در مورد زیگورات چغازنبیل بود و من هنوز یادم هست زمانی را که معلم داشت برای ما از چغازنبیل صحبت می‌کرد و عکس‌هایش را می‌دیدیم و من در آن لحظه با خودم گفتم یعنی می‌شود یک روز این بنا را از نزدیک و به صورت واقعی ببینم؟

همینطور هم شد و قدرت و شهادتی پیدا کردم که برای دیدن مقاصد مختلف گردشگری از نزدیک و نه از طریق عکس، قدم‌های محکم و مطمئنی بردارم.

### از خودت برای ما بگو.

پرستو کمام هستم. ۲۹ سال دارم و در مقطع کارشناسی معماری خواندم. در یک خانواده چهار نفره که یک برادر کوچکتر دارم رشد کردم. خانواده‌ای که به واسطه پدرم به شدت اهل سفر بودند. زندگی پدرم کاملاً با سفر عجین بود و این دیدگاه را داشت که بچه‌ها تنها در مدرسه تمام آن چیزی که لازم هست را یاد نمی‌گیرند؛ بنابراین من از آن دست دانش‌آموزانی بودم که همیشه پدرم به مدرسه می‌آمد و برایم مرخصی می‌گرفت تا به سفر برویم. چهار نفره و با ماشین شخصیمان به اکثر نقاط ایران سفر کردیم. معمولاً شب‌ها من و پدر در جاده بیدار بودیم و او بر این صحبت می‌کرد و به مقصد می‌رسیدیم و به دیدن جاذبه‌های آن جا می‌رفتیم. بعداً من هم به سفر کردن ادامه دادم و به عنوان راهنمای طبیعت‌گردی مشغول به کار شدم. البته الان نزدیک به یک سال است که به خاطر کرونا سفر نرفته‌ام و توری اجرا نکردم.

گرچه نمی‌توان منکر نقش پررنگ خانواده و سفرهایی که با آن‌ها می‌رفتید شد؛ اما فکر می‌کنید چه اتفاقی جرقه شد تا سفر را بعداً هم ادامه بدهید؟



نگاه‌دهنده: راهنمای گردشگری

ویروس کرونا آمد و تمام معادلات زندگی را در سراسر دنیا تغییر داد. در این میان عده‌ای هستند که خواستند هم‌رنگ جماعت باشند و در زمانی که بسیاری با وجود محدودیت‌ها به سفر می‌روند، جشن ازدواج و تولد می‌گیرند و از شرایط موجود مدام به جان اطرافیان غم می‌زنند؛ طور دیگری به زندگی و شرایط پیش آمده نگاه می‌کنند و با خودشان و زندگی در صلح هستند. پرستو کمام یکی از آنهاست که از پس پذیرش این بحران جهانی به زیبایی برآمده و به خلق تجربیات زیبایی در زندگی خود و اطرافیان دست زده است. با هم به گفتگو نشستیم تا از این تجربیات برایمان بگوید.

از خودت برای ما بگو. پرستو کمام هستم. ۲۹ سال دارم و در مقطع کارشناسی معماری خواندم. در یک خانواده چهار نفره که یک برادر کوچکتر دارم رشد کردم. خانواده‌ای که به واسطه پدرم به شدت اهل سفر بودند. زندگی پدرم کاملاً با سفر عجین بود و این دیدگاه را داشت که بچه‌ها تنها در مدرسه تمام آن چیزی که لازم هست را یاد نمی‌گیرند؛ بنابراین من از آن دست دانش‌آموزانی بودم که همیشه پدرم به مدرسه می‌آمد و برایم مرخصی می‌گرفت تا به سفر برویم. چهار نفره و با ماشین شخصیمان به اکثر نقاط ایران سفر کردیم. معمولاً شب‌ها من و پدر در جاده بیدار بودیم و او بر این صحبت می‌کرد و به مقصد می‌رسیدیم و به دیدن جاذبه‌های آن جا می‌رفتیم. بعداً من هم به سفر کردن ادامه دادم و به عنوان راهنمای طبیعت‌گردی مشغول به کار شدم. البته الان نزدیک به یک سال است که به خاطر کرونا سفر نرفته‌ام و توری اجرا نکردم.

### گرچه نمی‌توان منکر نقش پررنگ خانواده و سفرهایی که با آن‌ها می‌رفتید شد؛ اما فکر می‌کنید چه اتفاقی جرقه شد تا سفر را بعداً هم ادامه بدهید؟

من در دوران لیسانس بابل درس می‌خواندم و گاهی هم دانشگاهیانم را به جنگل و روستاهای اطراف می‌برد. اما جدا از این تجربه، اولین سفر من شکل سفرهای خانوادگی مرسوم نبود و بسیار پرهیجان و ماجراجویانه بود؛ اما اولین جرقه برای سفرهای زمانی بود که در هنرستان معماری تحصیل می‌کردم. درسی داشتیم به نام معماری اسلامی که در آن درس در مورد بناهای تاریخی ایران صحبت می‌شد و یکی از مطالب در مورد زیگورات چغازنبیل بود و من هنوز یادم هست زمانی را که معلم داشت برای ما از چغازنبیل صحبت می‌کرد و عکس‌هایش را می‌دیدیم و من در آن لحظه با خودم گفتم یعنی می‌شود یک روز این بنا را از نزدیک و به صورت واقعی ببینم؟